

# ماندگار

## روند رسیده‌گی به شکایت‌های انتخاباتی آغاز شد



کمیسیون شکایت‌های انتخاباتی در نخستین روز بررسی شکایت‌ها، اعتراض‌های هفده تن از نامزدانی انتخابات ریاست جمهوری را که از لیست ابتدایی حذف شده اند، بررسی کرد. این نامزدان گفته‌اند که اسناد آن‌ها مشکلی نداشته است. کمیسیون شکایات انتخاباتی تا ۲۵ عقرب وقت دارد تا به تمام شکایات انتخاباتی رسیدگی کند. لیست نهایی نامزدان ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی براساس تقویم انتخاباتی، به تاریخ ۲۵ عقرب اعلام خواهد شد.

جلسه رسیده‌گی به شکایت‌های انتخاباتی روز یکشنبه به صورت علنی آغاز شد و نماینده‌گان نهادهای مدنی، خبرنگاران و ناظران انتخاباتی در این جلسه حضور داشتند.

شماری از نامزدانی که نامشان از فهرست ابتدایی نامزدان انتخابات ریاست جمهوری حذف شده در این جلسه حضور داشتند و اسنادی را ارائه کردند تا بتوانند... ادامه صفحه ۶

## واکنش حکومت افغانستان به کشته شدن حکیم الله محسود:

# امریکا چیزی نگفته، ما هم چیزی نمی‌گوییم!

صفحه ۶



## کرزی در نشست شورای امنیت ملی:

# نشست سه‌جانبه پیامدهای خوبی برای تأمین صلح دارد

رییس جمهور کرزی سفرش به بریتانیا و اشتراک در نشست سه‌جانبه افغانستان، پاکستان و بریتانیا را «سودمند» خوانده است.

براساس خبرنامه ریاست جمهوری، آقای کرزی روز گذشته در جلسه شورای امنیت ملی افغانستان در ارگ ریاست جمهوری گفت که هیأت عالی‌رتبه افغانستان در مجمع جهانی اقتصاد اسلامی در لندن اشتراک فعال داشتند. رییس جمهور کرزی افزود که در جنب مجمع یاد شده، نشست‌های مفید و مؤثر سه‌جانبه میان سران کشورهای افغانستان، پاکستان و بریتانیا صورت گرفت که می‌تواند پیامد خوبی در امر تأمین صلح و ثبات در افغانستان و منطقه در قبال داشته باشد.

در جلسه شورای امنیت ملی، آقای کرزی روند آموزش و پرورش منسوبان نیروهای امنیتی در کشور بریتانیا را مثبت ارزیابی نموده و هدایت داده تا وزارت‌های دفاع ملی و امور

داخله یک طرح جامع را به‌خاطر بهبود وضعیت معیشتی دانشجویان نظامی افغان در بریتانیا و سایر کشورهای اروپائی ارایه کنند.

همچنان رییس‌جمهور کرزی روی بهبود بیشتر پروسه گزینش افسران واجد شرایط برای بورس‌های تحصیلی به خارج کشور تأکید مزید کرد.

بر بنیاد این خبرنامه، در بخش دیگر جلسه شورای امنیت ملی، روی مسوده قرارداد همکاری‌های امنیتی و دفاعی میان افغانستان و ایالات متحده امریکا بحث صورت گرفته است. مشاور امنیت ملی از پیشرفت‌های گفت‌وگوها و جلسات قبلی روی سند به اعضای شورای امنیت ملی گزارش ارایه کرد. سپس فیصله شد تا مشاور امنیت ملی طرح‌های ارایه شده اخیر در جلسه را با جانب ایالات متحده امریکا در میان گذاشته و مورد بحث قرار دهد.

همچنان تأکید صورت گرفت تا طرح نهایی این سند



به زبان‌های پشتو و دری برای پیشکش به لویه جرگه مشورتی، در فرصت مناسب ترتیب گردد. چودری نثار علی‌خان، وزیر داخله پاکستان، حمله هواپیماهای امریکایی را «قتل» مذاکرات میان دولت پاکستان و طالبان این کشور خواند.

## رییس دبیرخانه برگزاری لویه جرگه:

# لویه جرگه منافی پارلمان نیست



رییس دبیرخانه کمیسیون آمادگی لویه جرگه مشورتی با تأکید بر نقش مشورتی لویه جرگه در مشاوره به رییس جمهور افغانستان، افزود: برپایی لویه جرگه مشورتی هیچ منافاتی با اختیارات و وظایف پارلمان افغانستان ندارد و طبق قانون اساسی این کشور، شورای ملی (مجلس نماینده‌گان و مجلس سنا) اختیارات لازم را در مورد بررسی توافقنامه امنیتی کابل-واشنگتن دارند. ... ادامه صفحه ۶

## طرح بودجه مالی سال ۹۳ به مجلس سنا ارایه شد



وزارت مالیه افغانستان طرح بودجه مالی سال ۱۳۹۳ هجری شمسی را روز یکشنبه رسماً به مجلس سنا ارایه کرد.

وزارت مالیه می‌گوید، طرح بودجه عادی و توسعه‌ی سال ۱۳۹۳ هجری شمسی ۲۷ درصد بیشتر نسبت به بودجه سال ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است.

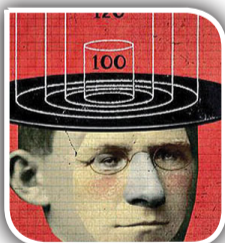
حضرت عمر زاخیلوال وزیر مالیه در نشست روز یکشنبه مجلس سنا طرح بودجه سال آینده را رسماً به مجلس سنا ارایه کرد. ... ادامه صفحه ۷

### در برگ‌ها



این مبارزه را پایانی هست؟

محدودیت‌های روش علمی در اقتصاد و جهان



پرتو نادری در وسط امر «نوشتن شعر»

شصت درصد پاسگاه‌های پولیس شاهراه‌ها اخاذی می‌کنند



احمد عمران

# این مبارزه را پایانی هست؟

پایگاه‌های گروه‌های تروریستی باید به شدت مورد حمله قرار گیرند و از سوی دیگر، برای پاکستان امتیازهای ویژه قایل می‌شوند. اگر جامعه جهانی وضعیت خود با پاکستان را روشن می‌کرد، بدون شک امروز مناطق مرزی پاکستان، اصلی‌ترین پایگاه گروه‌های تروریستی نمی‌بود.

پاکستان بازی دوگانه‌یی را در مبارزه با تروریسم دنبال می‌کند. به این معنی که در عین حال که خود را حامی جامعه جهانی در این مبارزه می‌داند، ولی اقدام چندانی در از میان برداشتن لانه‌های تروریستی صورت نمی‌دهد. برخورد پاکستان با گروه‌های تروریستی نیز متناقض و چندپهلوی است. این کشور نگاهی دوگانه به گروه‌های تروریستی دارد. از یک سو میان طالبان افغانستان و پاکستان که در آن کشور پایگاه و جایگاه دارند، تفکیک قایل می‌شود و با دو نوع سیاست تلاش می‌کند با آن‌ها برخورد کند. طالبان افغانستان را عمدتاً به عنوان اهرم فشار بر افغانستان و جامعه جهانی استفاده می‌کند و با طالبان پاکستانی از در سازش و مذاکره پیش می‌آید.

در همین حال، برخی نهادها و سازمان‌های پاکستان، روابط تنگاتنگ با گروه القاعده و دیگر گروه‌های تندور مذهبی خارجی دارند که هیچ نسبتی با پاکستان ندارند. از گروه‌های تندور عربی گرفته تا ازبکستانی‌ها و چیچنی‌ها در پاکستان حضوری پررنگ و آشکار دارند و عملاً این گروه‌ها بخشی از ماشین نظامی علیه ارزش‌های مدرن به حساب می‌روند. هیچ موردی در افغانستان دیده نشده که در کنار گروه طالبان، افرادی از گروه‌های خارجی به شمول پاکستانی‌ها حضور نداشته باشند. این گروه‌ها مکمل یکدیگر اند و علاوه بر نزدیکی‌های ایدئولوژیکی، از نظر ساختاری و شیوه عمل نیز در تئوری با هم قرار دارند.

جدا کردن تروریست‌ها به منطقه و کشور خاص، عملاً سیاست مبارزه با آن را دچار کند و ضعف می‌کند و این گروه‌ها از چنین وضعی، به نفع سیاست‌های خشونت‌ورزانه خود به اندازه کافی استفاده کرده و می‌برند. تروریست‌ها به یک خانواده مشترک مربوط می‌شوند؛ خانواده‌یی که با ایجاد فضای رعب، وحشت و کشتار می‌خواهد به هدف‌های سیاسی خود دست پیدا کند. تروریست‌ها هرگز خود را جدا از هم ندانسته‌اند و به عنوان یک مشت واحد عمل می‌کنند.

در همین حال، سیاست دولت افغانستان نیز در برابر گروه‌های تروریستی، سیاستی پایدار



و همین موضوع، سبب چاق شدن این گروه‌ها شده است. حذف افراد کلیدی گروه‌های تروریستی، بدون شک اثرات خود را بر وضعیت خواهد گذاشت؛ ولی این اثرات با توجه به پیش‌گیری‌هایی که به گونه احتمالی از سوی این گروه‌ها انجام می‌شود و همواره بدیل‌ها و جانشین‌هایی برای افراد خود نگه می‌دارند، نمی‌تواند زیاد دوام آورد.

اگر جامعه جهانی به همان شدت سال‌های نخست، مبارزه با تروریسم را ادامه می‌داد و همان‌گونه که رهبران کشورهای غربی مدعی بودند که تروریسم به هیچ نقطه و منطقه خاصی تعلق ندارد و باید با آن مبارزه یک‌سان صورت گیرد، بدون تردید تغییراتی اساسی در وضعیت تا به حال رونما می‌شد. اما با دریغ که این سیاست، قاطعیت سال‌های نخست را از دست داده و کشتن افراد کلیدی هم که هر از گاهی اتفاق می‌افتد، نمی‌تواند در کوتاه‌مدت صلح و ثبات را در منطقه ضمانت کند.

## سیاست دولت افغانستان نیز در برابر گروه‌های تروریستی، سیاستی پایدار و

متکی بر واقعیت‌ها نبوده است. آقای کرزی با سیاست کرنش و امتیازدهی، تلاش

کرده که طالبان را از بدنه تروریسم جهانی جدا کند؛ سیاستی که عملاً شکست

خود را نشان داده است. به همین دلیل، نمی‌توان نسبت به اتفاق‌هایی از این

دست که فلان فرمانده طالبان از صحنه مبارزه بیرون رانده شده، خوش‌بین بود

و متکی بر واقعیت‌ها نبوده است. آقای کرزی با سیاست کرنش و امتیازدهی، تلاش کرده که طالبان را از بدنه تروریسم جهانی جدا کند؛ سیاستی که عملاً شکست خود را نشان داده است. به همین دلیل، نمی‌توان نسبت به اتفاق‌هایی از این دست که فلان فرمانده طالبان از صحنه مبارزه بیرون رانده شده، خوش‌بین بود که اثرات فوری بر وضعیت منطقه و افغانستان بگذارد. اما پرسش اساسی این است که این جنگ و مبارزه قرار است تا چه زمانی ادامه یابد، چون به گفته حافظ شیرین‌سخن: به این تمکین که ساقی باده در پیمانه می‌ریزد/ رسد تا دور ما دیوار این می‌خانه می‌ریزد!

موضوع مهم دیگر در این مورد، نقش و جایگاه پاکستان به عنوان عامل بازدارنده در مبارزه با تروریسم است. تا هنوز جامعه جهانی نسبت به این نقش و جایگاه، تعریف مشخصی پیدا نکرده و به همین دلیل می‌بینیم که به جای پرداختن به اصل قضیه، هم‌چنان مسایل فرعی مورد توجه قرار می‌گیرد. پاکستان به میزان قابل توجهی مبارزه با تروریسم را مهار کرده است و این می‌تواند دلیل اصلی بقا و ادامه حیات گروه‌های تروریستی در این کشور و برخی دیگر از کشورهای منطقه باشد. سیاست جامعه جهانی و به‌ویژه آمریکا نیز در این خصوص، مبهم و گاه متناقض است. از یک سو این کشورها تأکید می‌ورزند که

حالا دیگر رسماً تأیید شده که حکیم‌الله محسود فرمانده ارشد طالبان پاکستانی، در حمله جنگنده‌های بی‌سرنشین آمریکا در وزیرستان شمالی کشته شده است. برخی مقام‌های پاکستانی، حتی از تشییع جنازه این فرمانده مهم طالبان در روز شنبه خبر داده‌اند. اما این فکر که با کشته شدن حکیم‌الله محسود، طالبان دیگر توانایی نظامی و فرماندهی خود را از دست خواهند داد، نمی‌تواند درست باشد. شاید همان‌گونه که مقام‌های آمریکایی گفته‌اند، کشته شدن حکیم‌الله محسود ضربه سختی به پیکر طالبان به شمار رود؛ ولی هرگز کار این گروه و گروه‌های هم‌طراز با آن را یک‌سره نمی‌کند. همان‌طور که پس از کشته شدن بیت‌الله محسود، برادرش حکیم‌الله جایش را گرفت، این بار نیز یکی دیگر از برادران بر این جایگاه تکیه خواهد زد.

موضوع مبارزه با تروریسم، مسأله پیچیده منطقه‌یی و حتی جهانی است و تا زمانی که کشورهای دخیل، با همکاری مستمر و ثمربخش در این رابطه گام برندارند، نتایج به‌دست آمده نمی‌تواند رضایت‌بخش باشد.

بخش مهم و اصلی در خصوص مبارزه با تروریسم، به کشورهایی برمی‌گردد که در این راه بیشتر از ده سال است که علم مبارزه را برافراشته‌اند. این کشورها در آغاز خود را متعهد به برچیدن لانه‌ها و پایگاه‌های تروریسم در هر منطقه از جهان می‌دانستند؛ ولی با گذشت کوتاه‌زمانی، نوع و شکل مبارزه با تروریسم، تغییرات اساسی پیدا کرد. آمریکا به عنوان اصلی‌ترین کشور متعهد در مبارزه با تروریسم، در طول این سال‌ها سیاست یک‌سان و متوازی را دنبال نکرده است. این کشور که در آغاز شدت و قاطعیت مبارزه با گروه‌های تروریستی سخن می‌گفت، در این اواخر به نوعی سیاست سازش‌کارانه و مصالحه‌جویانه روی آورده است.

نوع برخورد کشورهای غربی و آمریکا با تهدید تروریسم، این گروه‌ها را هم‌چنان در صحنه نگه داشته است. اگر نگوییم که تعمدی در این سیاست وجود دارد، ولی باید پذیرفت که سیاست مبارزه با تروریسم از سوی جامعه جهانی، همواره با اشکالات جدی روبه‌رو بوده

## سخن‌ماندگار

### واه از آن افراط، آه از این تفریط

بیشتر از یک ماه می‌شود که پروسه ثبت نامزدان انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی سپری شده است و کمیسیون‌های انتخابات به دنبال بررسی پرونده‌های نامزدان است. حدود شانزده نفر از نامزدان ریاست جمهوری و شماری از نامزدان شوراهای ولایتی در پی این بررسی‌ها از فهرست ابتدایی حذف شدند اما اعتراض‌های نامزدان حذف شده هنوز ادامه دارد. تا آنجا که این پرونده این نامزدان از سوی کمیسیون شکایات انتخابات مورد بررسی قرار گرفته است.

نکته جالبی که در این پروسه به نظر می‌رسد نحوه برخورد کمیسیون‌ها با نامزدان حذف شده است که نه تنها به اعتراض‌ها پاسخ درخور نداده است، بل به تنش‌ها و جنجال‌ها افزوده است. به این معنا که روند بررسی این پرونده‌ها بسیار ناقص و غیرحرفه‌یی است.

آن‌گاه که کمیسیون انتخابات فهرست نامزدان راه یافته به انتخابات را اعلام کرد، چنان محتاطانه عمل کرد که اعجاب برانگیز می‌نمود. مقامات این کمیسیون پشت تریبون رسانه‌ها تنها از ده تنی یاد کردند که در فهرست ابتدایی حضور داشتند و حتی به تقاضای خبرنگاران که خواستار شنیدن اسم نامزدان حذف شده بودند، نیز پاسخ مثبتی ندادند و گفتند که هر کس می‌تواند اسامی نامزدان حذف‌شده در سایت کمیسیون بیابند. حتی پس از آن‌که نامزدان حذف‌شده خواستار دلیل حذف‌شان شدند، مقامات این کمیسیون پاسخ‌های قناعت بخشی ارائه نکردند و همه چیز را ارجاع دادند به کمیسیون شکایات انتخاباتی.

این طرز کار نشان می‌داد که بررسی پرونده‌های نامزدان بسیار سری صورت گرفته بود. چندان که هیچ کس از دلایل حذف‌شدن باخبر نشد و نیز کمیسیون انتخابات به تأکید یادآور شد که آن‌ها در پروسه بررسی‌ها بسیار محتاطانه عمل کرده‌اند و این کار خبره این کمیسیون را بیان می‌کند.

اما پس از این که پرونده‌ها به کمیسیون شکایات انتخاباتی ارجاع داده شد. این کار محتاطانه و سری به یک دادگاه انتخاباتی مبدل شد. چندان که مقامات این کمیسیون در حضور رسانه‌ها و نهادهای مدنی، نامزدان حذف شده را گرد آورده و در یک فضای بسیار متشنج به راییه پاسخ سوالات آنان پرداخته‌اند. حال آن‌که این راییه پاسخ بیشتر یک مسأله فنی است. طوری که کمیسیون شکایات انتخاباتی باید در پی تطبیق یافته‌های خودشان با بررسی‌های کمیسیون انتخابات می‌بودند. بررسی این پرونده‌ها با شنیدن شکایات نامزدان حذف‌شده و راییه پاسخ‌های شفاهی به نتیجه نمی‌رسد. رویه‌یی که مقامات کمیسیون شکایات پیشه کرده شدیداً در تضاد با شیوه کار کمیسیون انتخابات است و این حاکی از یک حرکت ناهماهنگ میان این دو کمیسیون است. ظن آن می‌رود که جلسه علنی راییه پاسخ جدای از آن‌که نتواند قناعت نامزدان حذف شده را فراهم آورد به ادامه تنش‌ها و اعتراض‌ها بیافزاید.

به نظر می‌رسد که میکانیسم راییه دلایل حذف نامزدان به خوبی میان این دو کمیسیون طراحی نشده است و کمیسیون‌های دوگانه هر کدام به زعم خود به دنبال راه حل‌اند. این ناهماهنگی شاید در این مرحله چندان مهم به نظر نرسد اما به خوبی آشکار است که این روش در جریان انتخابات مشکلات زیادی را به بار آورد. از جمله در ایام شمارش آرا، تعیین و تشخیص آرای تقلبی و اعلام نامزدان برنده و بازنده که همه‌اش مشکل‌ساز خواهد بود. بنابراین، باید تذکر داد که پیش از فراهم آوردن قناعت نامزدان حذف شده انتخابات لازم است که کمیسیون‌های انتخاباتی روی یک میکانیسم کاری به نتیجه می‌رسیدند و بعد به مرحله عملی قدم می‌گذاشتند. شاید اکنون هم دیر نباشد اما ادامه کار این گونه، بی‌تردید که مراحل بعدی انتخابات را با مشکلات جدی مواجه خواهد کرد.

## هیلاری کلینتون؛ نامزد دموکرات‌های امریکا در انتخابات سال ۲۰۱۶



سراسرجهان به اجرا گذارده بود تکمیل کند.وی برای نهادینه کردن اقداماتش در این زمینه موسسه ای هم تحت عنوان «بنیاد بیل - هیلاری» راه اندازی کرد. این موسسه در زمینه فراهم ساختن مقدمات کار برای پیشرفت اجتماعی زنان در سراسر جهان فعالیت خواهد کرد. به نوشته واشنگتن پست، نیت پشت پرده همه این اقدامات کلینتون، حول محور طرح‌های انتخاباتی اش می چرخد. طرح کلینتون درخصوص پیشرفت اجتماعی زنان جهان قرار است در چهارمین کنفرانس سازمان ملل درمورد زنان که سال ۲۰۱۵ در پکن برگزار خواهد شد، مطرح شود. بر پایه این گزارش، محور کلیدی طرح صراحت بر آن دارد که حقوق زنان، حقوق بشر در نظر گرفته شود. کاهش عمر زنان جهان که عوامل متعددی از جمله فشار اقتصادی بر آن مرتب است نیز از جمله معضلات زنان جهان است که در طرح مزبور به آن اشاره شده است.

اعلام کرده است که تصمیم گیری شومر به خواست کلینتون نبوده است. در این ارتباط، روزنامه واشنگتن پست هم گزارش داد که هیلاری کلینتون در سخنانی در ماه سپتامبر از تصمیمش برای راه اندازی یک ابتکار عمل در خصوص احقاق حقوق اجتماعی زنان سراسر کره زمین خبر داد. کلینتون در این سخنان مشارکت دادن زنان در امور اجتماعی را مشغله تمام نشده قرن بیست و یکم خوانده بود. کلینتون جمعه گذشته هم در اجتماع دیگری در ایالت ویلادلفیا در کنفرانس سالانه زنان در ایالت پنسیلوانیا از عزم و اراده اش برای احقاق حقوق اجتماعی و سیاسی زنان و حضور آنان در قدرت سیاسی کشورها در سراسر کره زمین خبر داد. کلینتون اعلام کرده که تصمیم دارد طرح نیمه تمامی را که همسرش بیل کلینتون رییس جمهور سابق امریکا در

حزب دمکرات امریکا در اقدامی شتابزده و پیش از موعد اعلام کرد که برای دوره بعدی انتخابات ریاست جمهوری این کشور در سال ۲۰۱۶ هیلاری کلینتون وزیر خارجه اسبق این کشور را به عنوان نامزد این حزب معرفی خواهد کرد.

به گزارش روزنامه نیویورک تایمز، سناتور دمکرات چارلز ای. شومر از نیویورک شنبه شب در سخنرانی در گردهمایی دمکرات‌های ایالت آیووا رسماً هیلاری کلینتون را به عنوان نامزد انتخابات آینده ریاست جمهوری امریکا در سال ۲۰۱۶ معرفی کرد.

شومر در این سخنان اشاره کرد که سال ۲۰۰۸ دوران اوباما بود و ۲۰۱۶ اختصاص به هیلاری دارد. این اعلان ناپهنگام، حکایت از ائتلاف شتابزده و پشت پرده حزب دمکرات پیرامون نامزدی هیلاری کلینتون برای دوره بعدی انتخابات ریاست جمهوری امریکا دارد. ایالت آیووا از اهمیت ویژه یی برای دمکرات‌ها برخوردار است. آرای این ایالت کمک شایانی در به قدرت رسیدن باراک اوباما رییس جمهور امریکا داشت.

هیلاری کلینتون برای انتخابات سال ۲۰۰۸ هم نامزد شده بود اما در میانه راه رقابت، به پیشنهاد رهبران حزب دمکرات از دور مسابقه به نفع اوباما کنار رفت.

شومر و کلینتون هر دو در گذشته از اعضای سنا بودند. در حالیکه تنها یک سال از انتخابات سال ۲۰۱۲ ریاست جمهوری امریکا می گذرد، اعلان این مطلب، عمق اهمیت موضوع وارد ساختن کلینتون برای انتخابات آینده را برای حزب دمکرات بازگو می کند.

به نوشته نیویورک تایمز، میزان محبوبیت مردمی اوباما رو به افول گذارده است و بسیاری از سالمندان حزب دمکرات درصدد برآمده اند مقدمات کار برای ورود بانوی اول سابق امریکا در سال ۲۰۱۶ به قدرت سیاسی کشور را فراهم سازند.

هفته گذشته سناتورهای زن دمکرات امریکا هم در حرکتی نمادین طوماری را در حمایت از کلینتون امضا کردند.

کلینتون هنوز شخصاً مطلبی راجع به تصمیمش برای نامزدی سال ۲۰۱۶ نگفته و یکی از دستیاران شومر هم

## «روسری» دیگر در دستور کار سیاسی ترکیه نباشد



رییس جمهوری ترکیه در جریان نشستی در انگلیس گفت، بحث و گفت‌وگو بر سر پوشش روسری باید پس از ورود قانونگذاران محجبه ترکیه‌یی به پارلمان از دستور کار سیاست این کشور خارج شود.

به نوشته روزنامه حریت، عبدالله گل، رییس جمهوری ترکیه در سومین نشست انگلیس - ترکیه در ادینبرا گفت: رضایت بخش‌ترین مساله برای هر کس این است که مساله پوشش روسری با یک درک و استنباط مشترک از جانب تمام احزاب سیاسی پارلمان ترکیه به نتیجه رسید. هر کدام از احزاب سیاسی ترکیه به صورت داخلی در این باره به بحث پرداخته و تصمیم گرفتند که این مساله باید اجرا شود. این همان چیزی است که ما در نهایت آن را عادی سازی می‌نامیم.

در ۳۱ اکتبر سال جاری میلادی چهار تن از قانونگذاران زن از حزب حاکم عدالت و توسعه با پوشش روسری در نشست مجمع عمومی ترکیه حضور یافتند؛ این اقدام آن‌ها بدون مخالفت از سوی اپوزیسیون صورت گرفت. این اقدام اولین بار از زمان اخراج یک قانونگذار محجبه در سال ۱۹۹۹ میلادی بود که به دلیل حضور در مجمع عمومی ترکیه با پوشش روسری اخراج شده بود.

عبدالله گل افزود: ما بیشتر به صورت مختصر با روزنامه گاردین صحبت کرده‌ایم و به آن‌ها گفتیم که وجهه جامعه ترکیه در کشورهای اروپایی بسیار قابل ملاحظه است. من می‌دانم که یک یا دو قانونگذار زن با پوشش روسری در پارلمان چند کشور اروپایی حضور می‌یابند. بنابراین وقتی در این کشورها، قانونگذاران زن می‌توانند با پوشش روسری وارد پارلمان شوند، چرا ترکیه این کار را انجام ندهد؟ رییس جمهوری ترکیه در پاسخ به پرسشی درباره اینکه آیا ممکن است مساله پوشش روسری به یک مشکل بدل شود یا خیر، گفت: از نظر من این مساله نباید بیش از این به یک مساله سیاسی بدل شود. زمانی که درباره عادی سازی سخن می‌گویم، احزاب آن را فهمیده و درک کرده و درباره آن تصمیم گرفته‌اند. از امروز، زنان با هر تخصص یا سیاستی باید بر مبنای ارزش و دستاوردهایی که داشته‌اند به کار گرفته شوند و پوشش روسری یا عدم استفاده از آن یک مساله شخصی است.

## رییس جمهور ونزویلا: روح چاوز را در قالب یک پرنده مشاهده کردم!



رییس جمهوری ونزویلا اعلام کرد، تصویر رهبر فقید این کشور به طور معجزه‌آسایی بر دیوار یک محوطه ساختمانی زیرزمینی پدیدار شده است.

به نوشته روزنامه تلگراف، هوگو چاوز، رهبر فقید ونزویلا که اوایل سال جاری میلادی بر اثر بیماری سرطان جان باخت، نزد حامیانش شکل افسانه‌یی به خود گرفته و نیکولاس مادورو، رییس جمهوری این کشور چندین بار اعلام کرده، روح چاوز را به شکل‌های مختلف از جمله در قالب یک پرنده مشاهده کرده است.

مادورو گفت، نیمه شب صورت چاوز برای مدت محدودی بر دیوار ساختمان خط متروی کاراکاس پدیدار شده است.

وی با در دست داشتن تصویری از یک دیوار سفید گچی با نشانه‌هایی که شبیه به دو چشم و یک بینی بود در تلویزیون ملی افزود: هم اکنون که مشاهدات خودم را برای شما بازگو می‌کنم، مو به تنم سیخ می‌شود. این صورت کیست؟ این نگاه، نگاه پدر سرزمین ماست که همه جا از جمله در پدیده‌های غیر قابل توضیح در اطراف ما است.

رییس جمهوری ونزویلا ادامه داد: کارگران با یک تلفن همراه این عکس را گرفته‌اند. چند لحظه پس از ظاهر شدن، ناپدید شد. همان طور که می‌بینید چاوز همه جا هست، شما چاوز هستید، ما چاوز هستیم. افرادی که از حامیان مادورو نیستند داستان‌های ظهور چاوز را به سخره گرفته و بسیاری از آن‌ها مادورو را به خدشه‌دار کردن وجه بین‌المللی ونزویلا متهم می‌کنند.

### دو پیچه‌وله

# اسد به دنبال پیروزی، حتی بدون موفقیت نظامی

کرد که ممکن است کنفرانس ژنو به کناره‌گیری اسد، بدون انتقال اساسی قدرت در سوریه منتهی شود.

این کارشناس با توجه به منافع کشورهای دیگر در منطقه گفت: دولت سوریه نمی‌تواند سرنگون شود؛ این چیزی نیست که همه خواهان آن باشند. وی گفت: ترکیه و عربستان خواهان انتقال قدرت به شورشیان سوریه هستند. هر چند که بقیه کشورها بارها خواستار کناره‌گیری اسد شده‌اند، اما به نظر می‌رسد که آنها نیز به خاطر ثبات، معتقد باشند که دولت دمشق باید سرکار بماند. این نکته‌ای است که خواسته مشترک آمریکا، روسیه و ایران است.

شورشیان نیز توقف مبارزه را مشروط به کناره‌گیری اسد کرده‌اند، اما وی این پیشنهاد را قویا رد می‌کند و از آنجایی که این اقدام دور از واقعیت دسترسی به نظر می‌رسد، برخی در درون اپوزیسیون اعلام کرده‌اند که در مذاکرات ژنو شرکت نمی‌کنند. ائتلاف ملی سوریه نیز که متشکل از جناح‌های میانه‌رو است، در اوایل نوامبر در خصوص شرکت در کنفرانس ژنو تصمیم می‌گیرد.

اشتال به مجموعه‌یی از مناطق حاوی حامیان رژیم، کردها، سلفی‌ها و دیگر نواحی اشاره کرده و می‌گوید که در واقع سوریه اکنون یک کشور منشعب است نه مبارزه و نه دیپلماسی قادر به پایان دادن به جنگ نیستند، و ممکن است جامعه جهانی در نهایت مجبور به قبول چند شاخه شدن این کشور شود. اما اشتال تردید دارد که اوضاع به چنین نقطه‌ای بکشد.

شاشانک نیز از نگرانی برخی کشورها از اینکه سوریه دست به تکرار برخی از اقدامات اخیر عراق در زمان صدام بزند، سخن گفت. به این ترتیب که به نظر می‌رسد که دیکتاتور عراق در سال ۱۹۹۱ در حال سرنگونی بود. اما پس از اولین جنگ خلیج فارس، علیه او منطقه پرواز ممنوع وضع شده و تحریم‌های نفتی و انقلاب صورت گرفت. در آن دوره، رژیم صدام از نظر نظامی ضعیف بود. شاشانک گفت: به نظر می‌رسد که او به پایان کار خود نزدیک می‌شد، اما ۱۲ سال پس از آن دوام آورد.



دولت سوریه انتظار دارد که شورشی‌ها در نهایت خسته شوند. اگر در درازمدت جان سالم به در ببرید، پس پیروز خواهید شد. شاشانک نیز این گفته را تایید کرده و می‌گوید که مقایسه شرایط امروز با میانه‌های سال ۲۰۱۲ که به نظر نیروهای اسد در حال از دست دادن مواضع خود بودند، عبرت‌آمیز است. در این زمینه، نیروهای دولتی فوق‌العاده کار کرده‌اند.

با وجود موفقیت‌هایی در جبهه‌های نبرد، دولت سوریه اخیراً موفقیت‌های دیپلماتیکی را نیز به دست آورده است. دمشق با پذیرش امحای تسلیحات شیمیایی‌اش، به نوعی با جامعه جهانی همکاری کرد. تا وقتی که دولت سوریه با بازرسان تسلیحات شیمیایی سوریه همکاری می‌کند، نیازی نیست نگران حمله آمریکا باشد.

شاشانک هم چنین معتقد است که تردید غرب برای حمایت از اپوزیسیون متلاشی شده‌ای که روز به روز بیشتر در دستان افراطیون می‌افتد، در حال افزایش است. به گفته این کارشناس، به این ترتیب بهتر است که اسد به شرکت در کنفرانس ژنوی که در ۲۳ نوامبر برگزار می‌شود، فکر کند. اما او انگیزه کمی دارد تا امتیازات چشم‌گیری بدهد.

همچنین این احتمال کم است که اپوزیسیون چند دسته سوریه به مصالحه تمایل داشته باشد. آلبرت اشتال، کارشناس مطالعات راهبردی نیز تصریح

به نظر می‌رسد که هیچ طرفی نمی‌تواند در جنگ داخلی سوریه پیروز شود و این بن بست نظامی نشان دهنده مشکلاتی است که کنفرانس ژنو با آن روبه‌رو است. طرفین درگیر نسبت به موضع خود متعهد مانده‌اند. جبهه‌های جنگ داخلی سوریه از زمانی که نیروهای دولتی در جون ۲۰۱۳، کنترل شهر القصیر را به دست گرفتند، بسیار تقویت شده است. از آن زمان، نه شورشیان و نه دولت، دستاوردهای عمده‌یی نداشته‌اند.

در شهر درعا، واقع در جنوب سوریه، شورشیان وارد شهر شده و تا مرکز آن رفتند، اما موفق به بیرون راندن نیروهای حامی بشار اسد، رییس جمهوری سوریه نشدند. شرایط مشابهی در ناحیه دیرالزور نیز به وجود آمد.

به نظر می‌رسد که در این بین تنها افراطیون پیشرفته‌هایی داشته‌اند که در مقایسه با دیگر گروه‌های شورشی، گستره تاثیرگذاری خود را افزایش داده‌اند.

جوشی شاشانک، کارشناس مسائل سوریه در یک اندیشکده انگلیسی معتقد است که شرایط سوریه منعکس‌کننده بروز بن بست نظامی است.

شاشانک در گفتگو با دو پیچه وله عنوان کرد که همه طرف‌ها در حال تقویت موضع خود هستند و گفت که اکنون دولت سوریه ناحیه‌یی از درعا تا بخش‌هایی از شهر حمص که مرحله درگیری است و غرب تا نواحی ساحلی مدیترانه را در اختیار دارد. این در حالی است که شورشیان در حال تقویت موضعشان در شمال غرب سوریه و در طول رود فرات و مرز با عراق هستند. تفاوتی که در بخش تحت کنترل شورشیان به چشم می‌خورد این است که این نواحی تحت کنترل یک اتحاد شورشی یگانه نبوده و بین گروه‌های مختلف دست به دست می‌شود. حتی برخی از این گروه‌ها آشکارا با یکدیگر درگیری دارند.

درگیری کردها با تروریست‌های همکار با القاعده، یکی از شدیدترین منازعات بین گروه‌های شورشی است. هر چند که بیش از دو سال و نیم از این جنگ می‌گذرد، به نظر می‌رسد که نه شورشی‌ها و نه نیروهای اسد قصدی برای تسلیم شدن ندارند. به نظر می‌رسد که دولت سوریه، موضع خود را قویتر از گذشته می‌داند. یک کارشناس مسایل سوریه از دانشگاه تل‌آویو گفت:

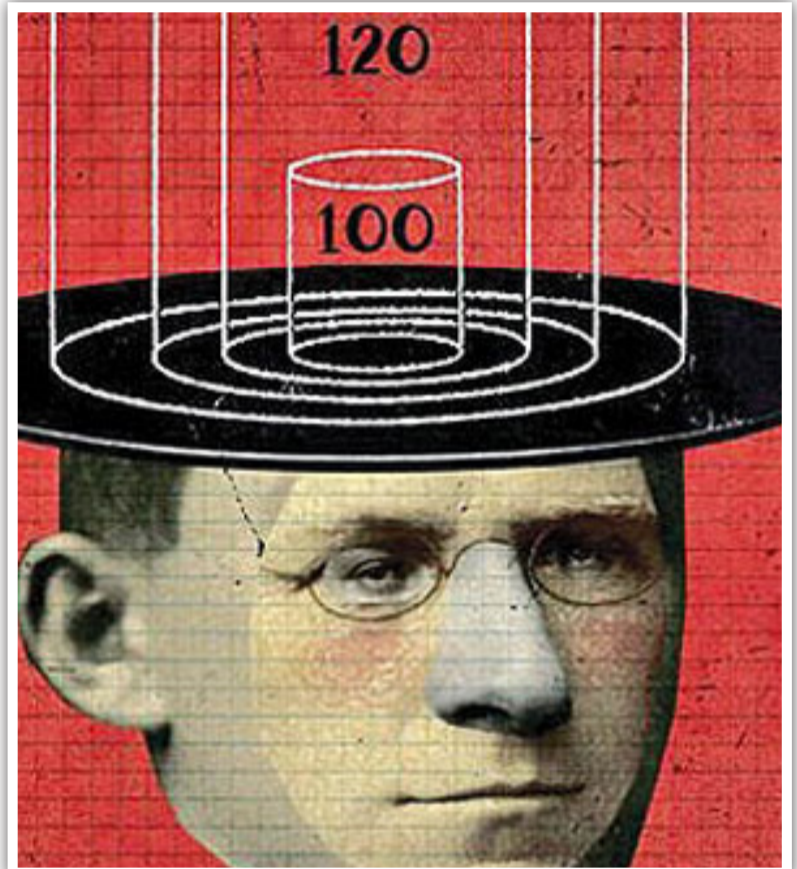
بخش نخست

# محدودیت‌های روش علمی در اقتصاد و جهان

نویسنده: راجر مارتین  
برگردان: محمد آقازاده

من نمی‌توانم غروب روز ۱۹ می سال ۲۰۰۹ را که در آن اقتصاد لرزان لرزان بود و بازارهای سرمایه درهم می‌پیچید، از ذهنم پاک کنم. ما در نقطه حسیب بازار سهام بودیم و ترس در نقطه اوجش و چشم‌ها منتظر سقوط مستقیم در دره رکود بزرگ بعدی بود. من به شامی دعوت شده بودم که در آن، تعداد زیادی اقتصادکلان‌دان برجسته، پشت دو جین میز نشسته بودند و

می‌گویند که دیگران چنین کرده‌اند. من او را سرزنش یا استهزا نمی‌کنم که دقیقاً چند ماه مانده به بدترین سقوط اقتصادی در ۸۰ سال اخیر، به محتاطانه‌ترین وجهی خوش‌بین بوده است. پیش‌بینی اقتصادی، سرشار از خطر است. برای من زنده‌ترین نکته آن بعدازظهر، این بود که هیچ چیز آن مدل پس از آن‌که مشخص شده بود متأسفانه به هدف نزده است، تغییر نکرده بود. او فقط معادلات را به کار انداخته، آخرین اعداد و ارقام را داخل آن ریخته و شروع به بیرون



ریختن نتایج کرده بود. من از او پرسیدم: آیا مدل‌هایش را با توجه به پیش‌بینی اسفناک مربوط به ۲۰۰۸ اصلاح کرده است. او حیرت‌زده به من زل زد و گفت: حتا این پرسش به ذهنش هم نرسیده است. پس از آن بود که من به این نتیجه رسیدم:

باقی‌ست. اما آن‌طور که دوست فیلسوف من، تونی گلوسی اسمیت به من توضیح داد، هرچند ارسطو طرف‌دار منطق علمی خود است، اما در بهترین سنت علمی‌بی که او طراحی کرده است، برای نظریه‌اش شرایطی مرزی گذاشته است. این منطق برای بخشی از جهان صادق است که چیزها نمی‌توانند جز آن‌چه هستند، باشند. یک درخت بلوط، درخت بلوط است و نمی‌تواند چیزی دیگر باشد. یک تکه سنگ خارا، یک تکه سنگ خارا است و نمی‌تواند چیزی دیگر باشد. ارسطو برای چنین جهانی، آن روش علمی ابتدایی را طرح‌ریزی کرد و استدلال کرد که این بهترین مسیر برای فهم آن‌بخش از جهان است.

در عین حالی که او روش علمی‌اش را برای آن بخشی از جهان طرح‌ریزی کرده است که نمی‌تواند جز آن‌چه هست باشد، هم‌چنین هشدار می‌دهد که بخش دیگری از جهان نیز هست که نمی‌تواند چیزی جز آن‌چه هست باشد، و روش دیگری هست که برای فهم آن بخش جهان، بدان نیاز است. در آن بخش، به‌کارگیری روش علمی تماماً نابه‌جا خواهد بود.

آن بخش دوم جهان تشکیل شده از مردم است - روابط، کنش و واکنش‌ها و مبادلات. در این بخش از جهان، روابط می‌تواند خوب، بد یا خنثا باشد؛ صمیمی، سرد یا در نوسان باشد. آن‌ها تغییر می‌کنند، می‌توانند چیزی غیر از آنی باشند که اکنون هستند. برای این بخش از جهان، ارسطو می‌گوید روشی که باید به‌کار گرفته شود تا فهم ما را رشد دهد و این بخش از جهان را شکل دهد، گفت‌وگو است؛ گفت‌وگو بین پاره‌های این بخش از جهان است که فهم، شکل‌دهی و تاثیرگذاری آن را می‌سازد.

من مدعی‌ام که هرچند جهان علمی جدید، روش علمی ارسطو را به آغوش پذیرفته است، اما در کل، شرایط مرزی او را به فراموشی سپرده است و به راحتی مرزهای روش علمی را به مناطقی آن‌چنان دوردست کشانده است که اصلاً برایش طراحی نشده بود. طنز داستان این است که ما ابزار ارسطو را پذیرفته ایم، اما دفترچه

**من مدعی‌ام که هرچند جهان علمی جدید، روش علمی ارسطو را به آغوش پذیرفته است، اما در کل، شرایط مرزی او را به فراموشی سپرده است و به راحتی مرزهای روش علمی را به مناطقی آن‌چنان دوردست کشانده است که اصلاً برایش طراحی نشده بود. طنز داستان این است که ما ابزار ارسطو را پذیرفته ایم، اما دفترچه راهنمای استفاده از آن را نپذیرفته ایم**

راهنمای استفاده از آن را نپذیرفته ایم. در چنین فضایی رفتار اقتصاددان هیچ عجیب نیست. او در یک ژست ارسطویی، با اقتصاد به مثابه چیزی که نمی‌تواند جز آن‌چه هست، باشد، برخورد می‌کند و آینده را بر اساس گذشته پیش‌بینی می‌کند. به همین دلیل است که او از همان ابزار پیشین استفاده می‌کند و معتقد است که در این شیوه به راستی علمی عمل می‌کند. او در این شیوه رفتار، با بسیاری از کسانی که در علوم اجتماعی و طبیعی کار می‌کنند و حتا برخی از شاغلان به علوم انسانی، هم‌قطار است.

و هنوز هم بدان پای‌بندم که این شام، شاهدهی تمام برای وجود نقطه کوری بنیادی در علم جدید است. علم جدید، بسیار از مرزهای طبیعی‌اش دور شده است و این مساله هم مشکلات فراوانی ایجاد می‌کند و هم جلوی پیشرفت را می‌گیرد. ریشه‌های مساله را می‌توان تا ارسطو، پدر علم جدید که در حدود ۴۰۰ قبل از میلاد می‌زیسته است، عقب برد؛ کسی که اولین بار مفهوم صوری علیت را مطرح کرد. در عین حالی که روش‌شناسی فکری او، پیشرفت‌های زیادی کرده است، اما اثر انگشت او بر همه‌جای علم جدید

پیرامون وضعیت اقتصاد و مسیرهای ترمیم آن، شور می‌کردند. یک اقتصاددان داشت با جزئیات، علل وادادن اقتصاد در نیمه دوم سال ۲۰۰۸ را توضیح می‌داد و مسیر بهبودی که پیش‌بینی می‌کرد را نیز شرح می‌داد. من تحت تاثیر هیبت علمی او قرار گرفته بودم که آمارهای فراوانی را ارایه می‌داد، اصطلاحات تخصصی را به کار می‌گرفت و مدل اقتصادسنجی‌اش را با افتخار شرح می‌داد. مدل او بسیار پیچیده بود. با توجه به سرباهی که از سر تصدیق تکان داده می‌شد و چهره‌های راضی‌بی که در اتاق مشاهده می‌شد، به نظر می‌آمد که او توانسته است تسلی‌خاطری عمیق به مهمانان عطا کند؛ آن‌ها می‌توانستند با خیالی راحت، سر به بالین بگذارند و از علم آن اقتصاددان متشکر باشند؛ آن‌ها می‌توانستند به او و پیش‌بینی‌اش در مورد آن‌چه قرار است بر سرمان بیاید، اعتماد کنند.

من آن‌چنان مطمئن نبودم. از سر کنجکاوی، قبل از آن‌که شام بخورم، پیش‌بینی‌های یک سال پیش او را یعنی دقیقاً چندماه پیش از سقوط بررسی کردم. پیش‌بینی او در بهار سال ۲۰۰۸ برای نیمه دوم سال ۲۰۰۸، ملایم‌ترین رشد مثبت اقتصادی برای امریکا بود. این غیرطبیعی نبود؛ هیچ اقتصاددان مطرح دیگری نیز چیزی خوش‌رنگ‌تر برای نیمه دوم سال ۲۰۰۸ پیش‌بینی نکرده بود، اگرچه بسیاری

بخش دوم و پایانی

# کشیدن دندان عقل موجب مرگ می‌شود؟



اتفاقی که تکرار شده

متأسفانه مرگ بر اثر جراحی‌های دهان و دندان، بی‌سابقه نیست. در اوایل سال ۲۰۱۱ دختری ۱۷ساله به دلیل کمبود اکسیجن و حمله قلبی ناشی از آن به کما رفت و بعد از ۱۰ روز بستری بودن در شفاخانه درگذشت. جنی اولنیک برای یک جراحی ساده دندان عقل به کلینیک رفته بود. والدین او می‌گویند تنها نیم‌ساعت بعد از رسیدن او به دندان‌پزشکی، با آن‌ها تماس گرفته و خواسته شده سریعاً به شفاخانه بروند. اوایل سال ۲۰۱۲، ۳ بیمار دیگر بین سنین ۱۴ تا ۲۱ سال در گرجستان بین ۱۶ تا ۷۲ ساعت بعد از کشیدن دندان عقل‌شان جان باختند. در آن زمان هم یکی از پزشکان اعلام کرد، عفونت یکی از علل مرگ‌ومیر بعد از اقدامات دندان‌پزشکی است. عفونت بعد از جراحی می‌تواند گسترده شده و با تورم یا آسیب مغزی منجر به مرگ شود. سایر علل بالقوه مرگبار واکنش به بیهوشی، ورود خون به ریه‌ها و خفه‌گی، واکنش به داروهای تجویز شده و باکتری‌های موجود در دهان است که وارد جریان خون می‌شود.

جراحی دندان عقل

به‌طور کلی درمان‌های دندان‌پزشکی برای بیشتر بیماران با درجاتی از استرس همراه است و این استرس معمولاً هنگام جراحی به‌ویژه جراحی دندان عقل دوچندان می‌شود. جراحی دندان عقل اگرچه دشوارترین، دست‌کم یکی از سخت‌ترین انواع جراحی‌های حفره دهان محسوب می‌شود که در برخی موارد به‌خصوص در مورد دندان‌های عقل نهفته، می‌تواند به چالشی نفس‌گیر برای دندان‌پزشک و بیمار بدل شود. جراحی دندان‌های عقل گاهی از یک خارج کردن ساده ۱۵-۱۰ دقیقه‌یی تا یک جراحی وسیع و سنگین ۲ ساعته تغییر می‌کند و همین غیرقابل پیش‌بینی بودن شرایط، بر دشواری این قبیل جراحی‌ها می‌افزاید.

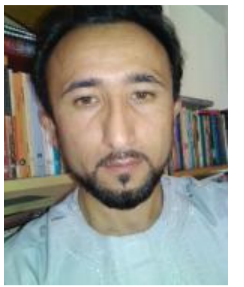
وقتی عقل شفاخانه‌یی می‌شود

گرچه باوجود همه این دشواری‌ها، عمده جراحی‌های دندان عقل (حتا دندان‌های نهفته) در کلینیک دندان‌پزشکی و با بی‌حسی موضعی انجام می‌شوند، اما شرایطی هم هست که در آن دندان‌پزشک تصمیم می‌گیرد دندان عقل را در شرایط شفاخانه‌یی جراحی کند. این شرایط معمولاً نهفته‌گی عمیق یا نزدیکی دندان عقل به ساختارهای حیاتی فک یا عدم همکاری مناسب از طرف بیمار یا ابتلا او به برخی بیماری‌هاست که نیازمند مراقبتی مضاعف هنگام جراحی است. در این حالت بیمار تحت آرام‌بخشی و بی‌حسی دچار حالتی نزدیک به خواب شده یا بنا بر صلاح‌دید دندان‌پزشک، به‌طور کامل بیهوش می‌شود.

کمی دقت در آمار بیمارانی که تا کنون در سراسر دنیا هنگام یا بعد از جراحی دندان عقل فوت کرده‌اند، نشان می‌دهد عمده این بیماران در شرایط شفاخانه‌یی تحت جراحی قرار گرفته‌اند و بنا بر اظهارنظر پزشکان، اصلی‌ترین علت فوت آن‌ها عوارض ناشی از داروهای آرام‌بخشی یا بیهوشی بوده است. عوامل دیگری مانند عفونت بعد از جراحی (که در هر جراحی در هر نقطه‌یی از بدن ممکن است رخ دهد) یا خون‌ریزی شدید به‌ندرت باعث از بین رفتن بیماران شده است.

چه بلایی سر مایک آمد؟

در مورد بیماری که اخیراً در ایالات متحده فوت کرده، مقادیر بیش از حد داروهای آرام‌بخشی و تجویز داروی بیهوشی، اصلی‌ترین علت مرگ او بوده، نه عوارض ناشی از جراحی دندان عقل. به عبارت دیگر، خود جراحی دندان عقل صدمه‌یی وارد نکرده است. جراحی دندان عقل هم می‌تواند با عوارضی همراه باشد. موارد شایعی مانند تورم و درد بعد از عمل تا آسیب به اعصاب حسی زبان یا فک یا خون‌ریزی و عفونت شدید، طیف وسیع این عوارض را تشکیل می‌دهند. با این حال، تقریباً می‌توان با اطمینان گفت اگر این جراحی در شرایط استاندارد و به‌طور صحیح انجام شود، احتمال بروز همین عوارض نزدیک به صفر خواهد بود.



یعقوب یسنا  
بخش سوم

هنر با سیاست، تاریخ و جامعه به عنوان رویدادهای انسانی، گفت‌وگوی خاص خودش را انجام می‌دهد و از این رویدادها، مفهوم‌های عاطفی و انسانی ارایه می‌کند. شعر نیز همین کار را با سیاست می‌کند و گفت‌وگویی را با سیاست انجام می‌دهد برای توسعهٔ دانایی خودش نه برای خدمت به سیاست. به نظر من، ارایهٔ هرگونه تعبیر سیاسی از شعر که در آن تعبیر، سیاست برای توضیح و تأویل شعر مبنا قرار بگیرد، اقدامی است به گفتهٔ آخوندها، مغالطه‌برانگیز. بنابراین، بایستی در گفت‌وگوی شعر با سیاست، اصالت هنری شعر برای شعر محفوظ باشد و توضیح و تأویل گفت‌وگوی شعر با سیاست نیز بر مبنای اصالت هنری شعر، باشد نه بر مبنای دیگر.

شعرهای پرتو نادری در گفت‌وگو با سیاست توانسته است اصالت هنری‌اش را حفظ کند و بینش هنری‌اش را به عنوان آرمان ممکن هنری، به سیاست ببخشد. در گورستان‌های تنگ تعصب این گونه تا کی و تا چند گورهای مرده‌گان خویش را برمی‌شمارید؟ مگر کسی دیده است که پهلوان معرکه اندوه تلخ تنهایی خود را با جمجمه‌های پوسیدهٔ نیاکان در میان بگذارد.

در گورستان‌های تنگ تعصب آفتاب حفرهٔ تاریک بدبختی است که زنده‌گی را با جهنم سوزانی پیوند می‌زند.

در گورستان‌های تنگ تعصب عقرب جراره‌یی شاید یک روز هیچستان ذهن شما را صفر دیگری بیفزاید و جمجمه‌های پوسیدهٔ نیاکان یک دو سه

و چند و چند و چند بار دیگر به هیچ نمی‌ارزند. (دهان خون‌آلود آزادی/ جمجمه‌های پوسیدهٔ نیاکان / ۹۰) این گفت‌وگو و گفت‌وگوهایی از این‌دست، بینش هنری‌یی است که شعر به سیاست می‌بخشد و می‌خواهد به سیاست ارزش آرمانی بدهد؛ ارزشی که سیاست می‌تواند آن‌گونه باشد نه این‌گونه غیرانسانی و استبدادی.

پرتو نادری با شعر، گفت‌وگوهای ممکن را با سیاست در روزگار ما انجام داده است و با هنر، بخشی از رویدادهای سیاسی روزگار ما را تصرف و به‌یادماندنی کرده است:

پیشوای من دیری‌ست نام نامی خود را بر سکه‌های مفرغ تاریکی ضرب زده است؛ و «جیلک» سبز غیرت افغانی‌اش تنگ‌تر از آن است که شانه‌های سیاه «مُشَرَف» را بپوشاند.

(دهان خون‌آلود آزادی/ امیر بزرگ / ۱۰۱)

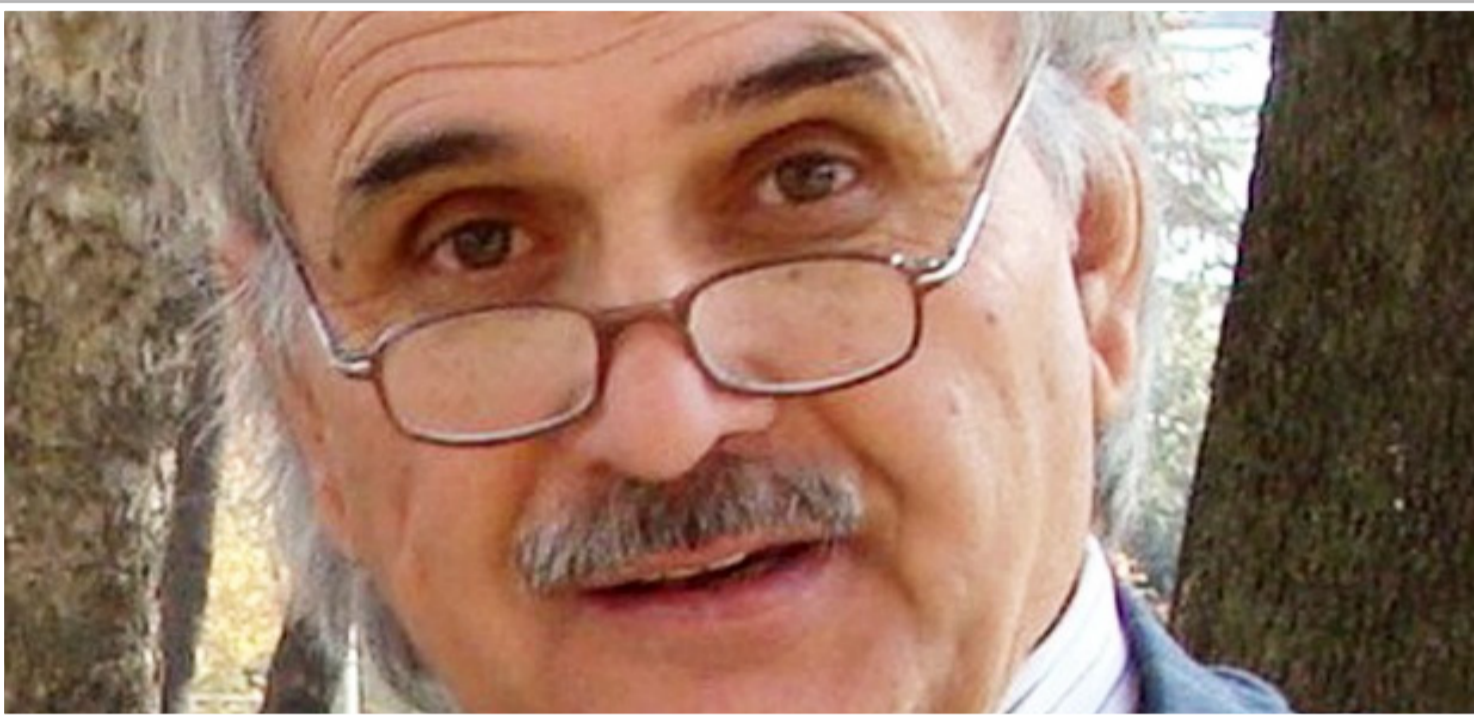
باید یاد بگیرم که چه گونه از خیابان یک‌طرفهٔ وحدت ملی! بگذرم و با الفبای جعلی شعرهای تازهٔ خویش بر گور اصطلاحات علمی و ملی - اداری توغ جاودانه‌گی برافرازم

(شعر ناسرودهٔ من / چراغ قرمز / ۱۵) چه مظلومانه در انتظار یک دهن خنده یک لقمه نان و یک کاسه آب پیر شدیم هیچ نفهمیدیم که بهار در پشت چه کوهی خانه دارد و هستی سبزش با شاخه‌های کدام درخت خوشبخت پیوند می‌خورد

(شعر ناسرودهٔ من / تا چند گاه دیگر / ۵)

# پرتو نادری در وسطِ امرِ

## (( نوشتن شعر ))



به شاعر بیشتر امکان می‌دهد تا خویش «خود» را توسعه بخشد، و خود را هم‌چون طرحی به سوی جهان پرتاب کند:

می‌روم  
و نقش گام‌هایم  
در پاپوش سرگردانی هیچ  
می‌پوسند  
(دهکدهٔ بی‌بامداد/ سرگردانی / ۳۹)

تصور از فنا به شاعر امکان می‌دهد که در وسط فاجعهٔ فناپذیری، بی‌هیچ التماسی به ماورای خود با خودش، از جهان و سرگردانی انسان شکایت کند؛ این شکایت بیشتر همان تسلائی دوسویه بین شاعر و چهرهٔ آرمانی‌اش است:

سرگردانی من  
کلاغ پیری‌ست  
که شاخه‌های بند سپیدار هیچ را  
روزی هزار بار فتح کرده است

(لحظه‌های سربی تیرباران/ زمین / ۲۴)  
چنان ستاره‌یی  
از مدار شکیبایی خود رها شده‌ام  
که سرگردانی‌ام  
در هیچ منظومه‌یی نمی‌گنجد

(تصویر بزرگ، آینهٔ کوچک / نام من / ۴۶)  
ابرها در تمامی شب بارینند  
ابرها با دل من خویشاوندند  
آه چه لذتی دارد  
گریستن

وقتی که انسان دست‌هایش را بر گردن یک دوست  
می‌آویزد  
و بغض دلش را خالی می‌کند  
های تو ام تنهایی

(تصویر بزرگ، آینهٔ کوچک / تنهایی / ۸)  
رابطهٔ من با آفتاب قطع شده است  
و در لایتناهی مرگ  
مدار حقیقت زنده‌گی را گم کرده‌ام.  
با این حال،  
از نردبانی می‌روم بالا  
تا چراغ افتخار خویش را  
بر رواق خاک‌آلود تاریخ  
روشن کنم.

(دهان خون‌آلود آزادی/ استعداد بزرگ (به پنجاه ساله‌گی خودم) / ۵۶)

شاعر در گفت‌وگو با چهرهٔ آرمانی «من» خودش که گاهی این چهرهٔ آرمانی، چنان کلی می‌شود که مفهوم بشر را در بر می‌گیرد، و گاهی هم خصوصی‌تر می‌شود، گفت‌وگوی خوبی را انجام داده؛ گفت‌وگویی که به ساحت هستی‌دار جان می‌بخشد.

خودش معنا ببخشد و هم به جهان:

و این صدا که از آن سوی سرزمین‌های حادثه می‌آید  
آواز من است  
که ذهن سنگ‌بستهٔ تاریخ را  
آبستن ماجراهای تازه می‌کند

(تصویر بزرگ، آینهٔ کوچک/ سکوت / ۸۷)  
شاعر در تصادمی با جهان، به خودی مقتدری دست یافته است که این خود مقتدر (من) شاعر با تاریخ می‌تواند رو در رو شود و ماجراهای تازه‌یی را آبستن کند. هرکسی بنا به اعتبار هستی‌شناسانهٔ «خود» به جهان اشاره می‌کند، و با این اشاره به جهان، می‌خواهد جهان را بنا به معرفت هویتی خویش معنامند کند. در این میان، به اعتبار خودش در معنادگی جهان تأکید کند: جهان همان است که آن را من دارم بیان می‌کنم.

شاعر در ضمن این که یک خود مقتدر دارد که با این خود مقتدر با جهان سخن می‌گوید و می‌خواهد از چشم‌انداز همین خود، به جهان معنا بدهد؛ اما یک «خود» صمیمی نیز دارد که معمولاً با این خود صمیمی‌اش درگیر است و می‌خواهد در گفت‌وگو با این خود صمیمی‌اش، حضور خودش را برای خودش، توجیه کند:

می‌روم  
می‌روم  
می‌روم  
و از دوردست‌ترین چشمه  
که از دوردست‌ترین کوه می‌آید  
در دوردست‌ترین لحظه‌های آزادی  
مشت آبی به صورت خود می‌زنم  
و ترانهٔ غمگینم را  
بر بال کبوتران سپید می‌بندم

(آن سوی موج‌های بنفش/ آن سوی موج‌های بنفش / ۴۰)  
این «خود» صمیمی شاعر، معمولاً خودی‌ست اندوهگین، و گاهی شاعر او را تسلا می‌دهد، و گاهی او شاعر را تسلا می‌بخشد. این تسلابخشی دو سویه، به «خود» شاعر، ساحت هستی‌شناسانه می‌بخشد که امکان ماندن خواننده‌ها را نیز در آن فراهم می‌کند:

در آن یلدای نامیدی  
این چه صدایی بود  
که مرا به سوی نور فرا خواند  
و خود اما؛

پیش از آن‌که سببی بر شاخهٔ بلند بامداد سرخ شود  
در میان ابرهای اضطراب  
پنهان شد

(لحظه‌های سربی تیرباران/ تشنه‌گی / ۱۲)

اما موقعی گفت‌وگوی شاعر با «خود»ش به اوج دانایی می‌رسد که شاعر به گونه‌یی هم واقعیت وجودی‌اش را و هم «خود» معرفتی‌اش را دچار فنا می‌بیند؛ این دچار فنا شده‌گی،

در روزگاری که ماه

عمامهٔ سپیدش را  
بر فرق سیاه شب می‌گذارد  
و شب  
در وزن روشنایی  
منظومه می‌سراید

دیگر حتا نمی‌توان به آفتاب اعتماد کرد  
که کاغذین نیست  
(لحظه‌های سربی تیرباران/ در میان دو انفجار / ۴۷)

پرتو نادری با شعر، گفت‌وگوی ممکن را با سیاست انجام داده است؛ گفت‌وگویی که می‌تواند برای نسل‌های بعد روایت برخورد هنری شعر با سیاست و تاریخ از روزگار ما باشد؛ روایتی که نه تاریخ است و نه سیاست، و نه در خدمت تاریخ است و نه در خدمت سیاست؛ فقط اراده‌یی است برای برخورد شعر با سیاست، و فهم‌پذیرکردن سیاست با دانایی شعر.

گفت‌وگو با خود یا همان تصور نمادین «من»

انسان می‌تواند دو تصور نمادین از هویت انسانی داشته باشد: تصور نمادین از «خود» که هستهٔ این خود، «من» است؛ و تصور غیر از خود که «دیگری» است، و هستهٔ این دیگری، «او» است. این «دیگری» (او) می‌تواند یک فرد انسانی (حتا تصور بیگانه شدهٔ خود فرد از خودش باشد) باشد در روبه‌رویی با «خود» (من) یا می‌تواند یک «دیگری بزرگ» باشد که همان جامعهٔ انسانی است.

«خود» (من)، هویت انسانی فرد است. هویت، پندار است. هر پندار، آرمانی و توهم‌برانگیز است. بنابراین، هر فرد انسانی، تصویری آرمانی‌یی از خودش دارد که این تصور آرمانی بر توهم انسانی فرد از خودش استوار است، و این توهم انسانی فرد از خودش، به فرد امکان می‌دهد که طرحی را از خود، بیرون از خود، یعنی در ماورای خود، متفیزیک خود خویش را ارایه کند و با این چهرهٔ آرمانی خودساختهٔ خویش دایم در گفت‌وگو باشد، و با این گفت‌وگو، واقعیت خویش را به مرجعی رجعت دهد که این مرجع، موقعیتی‌ست نمادین، متافیزیکی، و می‌شود گفت مرجعی‌ست مُثلی؛ همان مرجعی که افلاتون ازش سخن گفته بود.

«خود» هر فرد؛ مجموعه‌یی از رابطه و رو در رویی فرد انسان با انسان‌های دیگر، با چیزها، با رویدادهای طبیعی و انسانی، با مفاهیم، با زبان، و در کل با جهان (دیگری) است. اما این رابطه و رو در رویی، استوار بر دریافت‌های عاطفی‌ست.

در نهایت، خانهٔ موقعیتی انسان در جهان، همین «خود» (من) است. با تکیه بر «من» خویش، به «دیگری» به «جهان» نگاه می‌کند؛ دیگری و جهان را بنا به اعتبار «من» خویش، معنا و توجیه می‌کند. بنابراین، هر فرد، معنا و معرفتی که از جهان ارایه می‌کند. عمق این معنا و معرفت، به امکان هستی‌شناسانهٔ «خود» او، یعنی که «خود» او با «جهان» تا چه اندازه‌یی تصادم کرده است و در این تصادم با جهان، چه‌قدر «خود» او توانسته هویت ارجاعی «خود»ش را در برابر «جهان» توسعه ببخشد و با این توسعه‌بخشی هم به

## واکنش حکومت افغانستان به کشته شدن حکیم الله محسود:

# امریکا چیزی نگفته، ما هم چیزی نمی‌گوییم!

وزارت خارجه کشور از اظهار نظر در باره کشته شدن حکیم الله محسود رهبر «تحریک طالبان پاکستان» خودداری کرد، اما گفت که با حملات هواپیمای بی‌سرنشین مخالف است.

حکیم الله محسود، رهبر گروه جنگجوی «تحریک طالبان پاکستان» روز شنبه، ۱۱ عقرب، در حمله هواپیمای بی‌سرنشین امریکایی در مناطق قبایلی پاکستان کشته شد.

جانان موسی‌زی، سخنگوی وزارت خارجه افغانستان روز یکشنبه در یک کنفرانس خبری در کابل گفت: «دولت افغانستان در اصول با انجام حملات طیارات بی‌پیلوت که در اکثر موارد در برگیرنده تلفات افراد بی‌گناه است، مخالف است. این موقف روشن دولت افغانستان است.»

سخنگوی وزارت خارجه افغانستان از موضعگیری روشن درباره مرگ حکیم الله محسود، خودداری کرد و یادآور شد که موقف دولت افغانستان پس از تایید رسمی کشته شدن محسود بیان خواهد شد. او گفت که هنوز مقام‌های رسمی ایالات متحده امریکا در این

مورد اظهار نظری نکرده اند؛ به این دلیل حکومت افغانستان نیز نمی‌خواهد در این مورد نظرش را بیان کند.

این در حالی است که حکومت افغانستان همواره از فعالیت گروه‌های تندرو در مناطق قبایلی پاکستان انتقاد کرده و گفته است که شورشیان در این مناطق پناهگاه‌های امن دارند، آموزش می‌بینند و برای جنگ به افغانستان فرستاده می‌شوند.

آقای موسی‌زی گفت که کشته شدن حکیم الله محسود در پروسه صلح افغانستان تأثیری ندارد. او گفت: «کدام تأثیری نخواهد داشت. پروسه صلح افغانستان با افغان‌ها است، با مخالفین مسلح دولت افغانستان که به دلایل مختلف سلاح به دست گرفته اند و مبارزه مسلحانه را انجام می‌دهند.»

### سفر شورای عالی صلح به پاکستان

رهبان افغانستان و پاکستان در نشست سه جانبه با اشتراک بریتانیا، در لندن توافق کردند تا رییس‌جمهور کرزی در آینده نزدیک به پاکستان سفر کند و نخست وزیر پاکستان نیز از کابل دیدار نماید.

### پاکستان:

## مرگ محسود، ضربه بزرگ بر پروسه صلح بود

پرویز رشید، وزیر اطلاعات پاکستان نیز خاطر نشان ساخت که دولت این کشور همچنان طرفدار مذاکره است و به تلاش‌های خود در این راستا ادامه خواهد داد. رشید گفت: «ما همه موانع آغاز چنین گفت‌وگویی را برطرف کرده بودیم و همچنان تلاش خواهیم کرد که آن را به فرجام برسانیم.»

ولی یکی از فرماندهان طالبان پاکستان به نام اسماعیل خان به خبرگزاری آلمان گفت، هنوز زود است بگویم که آیا طالبان پاکستان همچنان آماده مذاکره هستند یا نه. همچنین براساس برخی گزارش‌ها قرار بود تیم سه نفره‌ای از علما برای ارائه پیشنهاد مذاکره به وزیرستان برود که با کشته شدن محسود این اقدام لغو شد.

امریکا طالبان پاکستان را به حمله‌ی نافرجام در میدان «تایمز» نیویورک در ماه می سال ۲۰۱۰ متهم می‌کند.

امریکا همچنین این جریان را برای حمله‌ی انتحاری به یک پایگاه سازمان سیا در افغانستان در دسامبر سال ۲۰۰۹ مسوول می‌داند. در آن حمله ۷ امریکایی کشته شدند. تحریک طالبان پاکستان یک تشکیلات سراسری برای گروه‌های مختلفی از اسلامگرایان افراطی است که با شبکه تروریستی القاعده همکاری دارد و مستقل از طالبان افغانستان عمل می‌کند.

این تشکیلات را مسوول مرگ هزاران تن و از جمله شمار زیادی غیرنظامی می‌داند. یکی از اقدامات طالبان پاکستان که با انزجار عمومی در سراسر جهان روبرو شد، سوءقصد به ملاله یوسف‌زی دانش‌آموز ۱۵ ساله‌ی بود که برای حق آموزش دختران در پاکستان مبارزه می‌کرد و تروریست‌های طالبان گلوله‌ی به سر او شلیک کردند، ولی وی از این سوءقصد جان بدر برد.

داشت.

در همین حال، مسوولان کمیسیون شکایات انتخاباتی گفتند که به تمام اعتراض‌ها و شکایت‌های نامزدان حذف شده، رسیده‌گی خواهد شد.

ستار سعادت رییس کمیسیون شکایات انتخاباتی گفت که ادعاهای نامزدان حذف شده را با اسنادی که آن‌ها به کمیسیون انتخابات ارایه کرده اند، تطبیق می‌کنند. او افزود که اسناد نامزدانی که شامل فهرست ابتدایی نامزدان شده نیز توسط این کمیسیون بررسی می‌شود.

مسوولان کمیسیون شکایات انتخاباتی می‌گویند که شکایات از ۲۵ ولایت افغانستان به دفتر مرکزی این کمیسیون رسیده است. براساس اظهارات آن‌ها ۱۰ مورد شکایت در مورد نامزدان ریاست جمهوری و حدود ۶۰ شکایت در مورد نامزدان شوراهای ولایتی توسط این کمیسیون اخذ شده است.

مدبر در خصوص اتخاذ تدابیر امنیتی لازم برای برگزاری لویه جرگه نیز گفت: کمیته ویژه‌ی برای تأمین امنیت لویه جرگه تحت نظر سرپرست ریاست اداره امنیت ملی و شرکت نهادهای امنیتی موظف شده و تدابیر ویژه‌ای توسط این کمیته اتخاذ شده است.

روز شنبه برخی از اعضای پارلمان برگزاری لویه جرگه مشورتی را خلاف قانون اساسی افغانستان خوانده بودند. عرفان‌الله عرفان منشی پارلمان روز شنبه گفت که هیأت ریسه این مجلس در لویه جرگه مشورتی شرکت نخواهد کرد.

### آمادگی‌های امنیتی

با گذشت هر روز، آمادگی‌های امنیتی در اطراف محوطه تالار برگزاری لویه جرگه واقع در غرب شهر کابل بیش‌تر می‌شود.

## لویه جرگه دولتی جرگی...

او له دپکتاتورانه عمله دې لاس واخلي.

خو د لویې جرگې د جوړېدو د کمېسیون ویاند عبدالخالق حسینی پشه یې ماندگار ورځپاڼې ته په مرکه کې وویل، چې په دې جرگه کې یوازې او یوازې له امریکا سره د امنیتي تړون د لاسلیک په اړه ولسمشر ته سلا مشورې ورکول کېږي او د نورو هر ډول اجنډاوو د شتون او نورو مسایلو په اړه د اندېښنو د لرې کولو لپاره یې په رسنیو کې خلکو ته ډاډ ورکړی دی او لا هم لگیا دي.

نوموړې هغه، چې ادعا کوي د لویې جرگې تر شا ځینې نورې موخې پرتې دي، په دې تورن کړل، چې دوی خپله پټې اجنډاوې لري.

هغه وویل، لویه جرگه له امریکا سره د امنیتي تړون پر سر د سلا مشورو د اخیستلو لپاره د ولسمشر کرزي په بلنه جوړېږي.

ښاغلی پشه یې زیاتوي، د لویې جرگې گډونوال به د دې حساسې مسالې په اړه ولسمشر ته خپلې مشورې ورکړي؛ خو وړاندیزونه او سلاوې به یې لازمي نه وي.

نوموړې په دې جرگه کې د ولسي جرگې نه گډون ته په اشارې وویل، چې د جرگې د گډونوالو له اوه لسو کټه گوربو یوه هم د ملي شورا ده.

ده وویل، په تېره دودیزه جرگه کې هم لومړی د ملي شورا استازو گډون نه کاوه، خو چې دوی بلنه ورکړه هغوی په خورا خوښۍ په جرگه کې برخه واخیسته.

د لویې جرگې د جوړېدو د کمېسیون ویاند وویل، هیله من دی چې د ملي شورا استازي به دا ځل هم په جرگه کې برخه واخلي او دوی به ترېنه په رسمي ډول د گډون غوښتنه وکړي.

هغه وویل، قومي مشران، د ملي شورا غړي، د ولسمشرۍ نوماندان، دیني عالمان، معلولین، مهاجرین، ښځې او د ټولني نور مخور به د دې جرگې گډونوال وي، چې له امریکا سره د امنیتي تړون د حساسې مسالې په اړه به ولسمشر ته سلا مشورې ورکړي.

افغان حکومت وايي، په دې مشورتی لویه جرگه کې به د خلکو له استازو سره له امریکا سره د افغانستان پر امنیتي او دفاعي تړون په ځانگړې توگه له ۲۰۱۴م کال وروسته د لته د پاتې کېدونکو امریکایي سرتیرو د قضایي مصوونیت په اړه سلا مشورې وکړي.

د یادونې وړ ده، چې تېر کال هم له امریکا سره د ستراتیژیک تړون د لاسلیک لپاره په کابل کې افغان حکومت دودیزه لویه جرگه را بللې وه. په تېره جرگه کې کابو دوه زره کسانو د هېواد له بېلابېلو سیمو نه گډون کړی و.

د حکومت مخالف سیاسي ډلې اندېښنه لري چې ولسمشر کرزي به په دې جرگه کې له امریکا سره د امنیتي تړون د مسالې تر څنگ ځینې نورې مسالې هم شریکې کړي.

له دغو اندېښنو نه په واک کې د ولسمشر کرزي پاتې کېدل، د ټاکنو ځنډېدل او یا هم د یوه ځانگړي نوماند لپاره کمپاین کول ښودل کېږي. خو د چارو د شورا مشر او د مشورتی لویې جرگې د جوړېدو د دارلانشا مشر صادق مدبر ویلي، چې په دې جرگه کې به یوازې له امریکا سره په امنیتي تړون بحث وشي او نور مسایل به په کې مطرح نشي.

## سه پولیس در هنگام...

زخمی شدند. به گزارش منابع اداره امنیت ملی، آقای جمال پس از ادای نماز در حال سخنرانی بود که بمب جاسازی شده در بین نسخه‌های قرآنی که روی میز خطابه گذاشته شده بود، منفجر شد.

وزارت داخله گفته که انفجار اخیر در مسجد روستای سه‌گانه ولایت پکتیکا بیانگر آن است که طالبان برای رسیدن به اهداف خود از هیچ کاری، حتی «اهانت» به مقدسات مردم هم دست بردار نیستند.

پیشتر شورای علمای افغانستان حمله به اماکن مقدس را « ناروا و حرام» اعلام کرده است.

### حمله انتحاری در پکتیا

از سوی دیگر، وزارت دفاع افغانستان در اطلاعیه‌ی نوشته که دو شب پیشتر در اثر حمله دو بمبگذار انتحاری به یک پاسگاه ارتش در ولایت پکتیا، چهار سرباز ارتش کشته و سه دیگر زخمی شدند.

وزارت دفاع افزوده که این بمبگذاران از سوی گروهی از مهاجمان حمایت می‌شدند. بر اساس این اطلاعیه، مهاجمان این پاسگاه را از سه جهت مورد حمله قرار دادند.

وزارت دفاع در صفحه فیسبوک خود نوشته که در اثر انفجار و درگیری بین مهاجمان و سربازان مستقر در این پاسگاه، شماری از مهاجمان هم کشته شدند، ولی تعداد دقیق آن ذکر نشده است.

سازمان دیده بان شفافیت:

# شصت درصد پاسگاه‌های پولیس شاهراه‌ها اخاذی می‌کنند



یک سازمان غیردولتی موسوم به دیده بان شفافیت در گزارشی نوشته که شصت درصد پولیس شاهراه‌های افغانستان اخاذی و با رانندگان بدرفتاری می‌کنند. اکرم فضلی از مسولان این سازمان به خبرنگاران گفت که پولیس شاهراه با مصونیت کامل از پیگرد قانونی، اخاذی می‌کنند و از رانندگان مالیات غیرقانونی می‌گیرند. او افزود: بررسی دیده بان شفافیت افغانستان در مورد اخاذی غیرقانونی، نشان می‌دهد، از هر ده پاسگاه پولیس، در شش پاسگاه توسط پولیس اخاذی‌های غیرقانونی صورت می‌گیرد. حد اوسط مقدار پولی که گرفته می‌شود، تقریباً ۳۰۰ افغانی است. آقای فضلی گفت که گرفتن پولهای غیرقانونی از رانندگان کامیونها توسط نیروهای پولیس مستقر در پاسگاه‌های شاهراه‌ها تقریباً به امری معمولی تبدیل شده و رانندگان هم آن را پذیرفته اند.

مسولان دیده بان شفافیت افغانستان گفتند که نویسندگان این گزارش با ماموران پولیس بیش از ۳۷۰ پاسگاه در شاهراه‌ها گفت‌وگو کرده و دریافته اند که موجودیت این پاسگاه‌ها دلیل اصلی تامین امنیت در شاهراه‌ها نیستند. محمد اسحاقزاده از نویسندگان این گزارش گفت که ۴۱ درصد از رانندگان به نویسندگان گزارش گفته‌اند که پولیس شاهراه تأثیری بر کاهش سرقت در شاهراه‌ها ندارد. این رانندگان گفته اند که در شاهراه‌ها با خطر جدی سرقت مواجه هستند.

در گزارش سازمان دیده بان شفافیت آمده که افسران حرفه‌ای پولیس نسبت به افسرانی که سابقه کار در ارتش و واحدهای شبه نظامی دارند، در محل کار برخورد بهتری دارند، در حالی که نیروهای متعلق به ارتش در شاهراه‌ها

طرح بودجه مالی سال...

آقای زاخیلوال می‌گوید که بخش کلان این بودجه به هدف بلندبردن ظرفیت نیروهای امنیتی کشور اختصاص داده شده، تا آنها قادر به انجام عملیات مستقل شوند.

آقای زاخیلوال برخی عوامل افزایش در بودجه سالانه را چنین بیان داشت:

« ۴۹ میلیارد افغانی مصارف سکتور امنیت، ۹ ملیارد افغانی مطابق به قانون ازدیاد در حقوق



دالر، به وزارت زراعت ۷۵ میلیون دالر و برای وزارت معارف ۲۹۹ میلیون دالر اختصاص داده شده است.

در این حال، رییس مجلس سنا می‌گوید که به اساس قانون، آنان ۱۵ روز حق دارند تا روی این طرح نظریات شان را ارایه کنند.

فضل الهادی مسلمیار رییس مجلس سنا گفت: «امروز رسماً حق حکومت بود که بودجه را برای ما ارایه می‌کرد، اینکه راست است یا دروغ به ما گفت و حق شما است

که در ۱۵ روز در مورد آن نظر بدهید. مثل سال‌های دیگر وقتی بودجه به کمیسیون‌ها می‌رود و نظریات جمع می‌شود اما تصمیم نهایی را ولسی جرگه می‌گیرد. هر قسم مشوره که شما دادید پس از آن ما وزیر را خواسته از او سوال، اعتراض و انتقاد کرده

وی وضاحت خواهد داد.»

به اساس قانون اساسی، بودجه مالی هر سال از سوی وزارت مالیه تهیه و پس از بررسی مجلس سنا جهت تصویب نهایی به مجلس نمایندگان فرستاده می‌شود.

در سال‌های گذشته تصویب بودجه توسعه‌ی و عادی کشور بنابر انتقادات و اختلاف نظرهای برخی از اعضای شورای ملی، ماه‌ها طول کشیده است.

اعضای دو مجلس در سال‌های گذشته انتقاد کرده اند که وزارت مالیه به هنگام تهیه بودجه مالی تناسب ولایات و نیازمندی مردم در آن مناطق را مد نظر نگرفته است.

شهدا و معلولین، ۵۰۰ میلیون افغانی افزایش در حقوق متقاعدین ملکی و نظامی، ۱.۶ میلیارد افغانی افزایش در بودجه وزارت معارف و ۵۰۰ میلیون در حقوق استادان دانشگاه‌ها افزایش به میان آمده و بودجه اختصاص یافته است.»

آقای زاخیلوال افزود که در بودجه سال آینده ۴.۹ میلیارد به بودجه عادی و ۳ میلیارد آن به بودجه توسعه‌ی اختصاص داده شده است.

به اساس معلومات وزارت مالیه در بودجه سال آینده به‌خاطر اعمار سرک ۴۹۵ میلیون دالر، برای وزارت آب و برق ۲۲۴ میلیون

دست دارند. اما وزارت داخله افغانستان می‌گوید که گزارش دیده بان شفافیت در حال حاضر قابل تایید نیست و فساد و اخاذی در میان نیروهای پولیس شاهراه تا حد زیادی کاهش یافته است.

صدیق صدیقی، سخنگوی این وزارت به بی‌بی‌سی گفت: «ما یافته‌های این گزارش را مطالعه خواهیم کرد. باور ما این است و نتایج بررسی را که ما به دست داریم، نشان می‌دهد که وضعیت [در شاهراه‌ها] بسیار تغییر کرده است.»

او افزود: «در اکثریت مناطق کشور که نگرانی‌هایی مبنی بر اخاذی غیرقانونی موجود بوده، تا حد اعظمی دور شده و پیکار ما [برای مبارزه با اخاذی] ادامه دارد.»

بر اساس گزارش دیده بان شفافیت افغانستان، اخاذی و بدرفتاری تنها در میان پولیس شاهراه شیوع ندارد، بلکه ماموران وزارت حمل و نقل، فواید عامه، مبارزه با مواد مخدر و شهرداری‌ها هم دست به اخاذی می‌زنند. علاوه بر این، حملات شورشیان به ویژه در مناطق جنوبی، سرقت‌های مسلحانه نیز از تهدیدهای جدی بر سر راه رانندگان و مسافران در شاهراه‌های افغانستان است.

حدود یک ماه پیش رانندگان شاهراه کابل-قندهار-هرات در اعتراض به برخورد ضعیف پولیس با سارقان دست به اعتصاب زدند.

## حملات هواپیماهای...

فعالیت داشته و گاهی هم منابع تمویل و برنامه‌های آن‌ها در مقابل و یا هم حداقل در رقابت با هم قرار داشته‌اند. در اکثر موارد، طالبان افغان حمایت‌های مستقیم و یا غیرمستقیم حکومت پاکستان را با خود داشته‌اند، درحالی‌که طالبان پاکستانی در مخالفت با حکومت پاکستان و با حمایت منابع متفاوت‌تر، حضور و فعالیت داشته و دارند.

البته در بعضی موارد این دو گروه، حامیان و

برنامه‌های مشترک نیز داشته‌اند؛ مانند حمایت بعضی از حلقه‌های افراطی و احزاب و گروه‌های دست‌نشانده آی‌اس‌آی مانند حزب انصاف عمران خان، رهبر کرکت‌باز پاکستانی که چندی قبل کشتار مردم بی‌گناه در افغانستان را جهاد خواند و از تداوم آن حمایت کرد و هم‌چنان پس از کشته شدن حکیم‌الله محسود، واکنش شدیدی پیرامون این موضوع داشت و کشته شدن محسود را تقبیح نمود. به همین گونه می‌توان از چهره‌های استفاده‌جو و منفور استخباراتی دیگر چون مولانا سمیع‌الحق، مولانا فضل‌الرحمن و... نام برد که

از هر دوی این جریان حمایت نموده و با تشویق‌های مداوم و شیطانی خود، باعث ازدیاد وحشت‌آفرینی‌ها در دو کشور می‌شوند.

با در نظر داشت گفته‌های فوق، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که کشته شدن سران طالبان پاکستانی و تداوم فشار بر آن‌ها، برنامه‌های تخریبی تروریستان در افغانستان را کاهش نداده و فقط مجال تنفس راحت را برای حکومت پاکستان مساعد ساخته و می‌سازد، شاید هم مجالی برای حمایت‌های بیشتر از طالبان افغان و راه‌اندازی توطیه‌های گسترده‌تر در

این کشور! از این‌رو، لازم است تا به گونه مشابه، حلقه‌های تروریستی و خراب‌کار در افغانستان نیز مورد حملات و فشارهای جدی قرار گرفته و زمینه‌های تضعیف و متلاشی شدن آن‌ها، به گونه مستقیم و مداوم مهیا گردد. همین‌گونه، لازم است تا سران و پناگاه‌های تروریستان و جنگ‌جویان افغان در خاک پاکستان مورد حملات جدی هوایی قرار گیرند. زیرا بی‌سر شدن حلقه‌های خراب‌کار در داخل افغانستان، به تضعیف برنامه‌های تخریبی تروریستان و بهبود اوضاع در کشور و منطقه خواهد انجامید.



## ونگر: با شایستگی بردیم



دنبال این بودند که واکنش آرسنال پس از شکست برابر چلسی را ببینند. خوشبختانه واکنش خوبی داشتیم و موفق شدیم آن شکست را با پیروزی برابر لیورپول به فراموشی بسپاریم. آرسنال شایسته پیروزی در دیدار برابر لیورپول بود. دو گل آرسنال را در دیدار برابر لیورپول سانتی کاسورلا و آرون رمزی به ثمر رساندند.

ونگر درباره گلزنان تیمش گفت: گلی که کاسورلا به ثمر رساند، به ما اعتماد به نفس داد. رمزی هم گل دیدنی به ثمر رساند. آنچه برای ما در این دیدار مهم بود، کسب سه امتیاز بود که خوشبختانه به آن دست یافتیم. ما فرصت‌های زیادی را در این دیدار از دست دادیم. می‌توانستیم با گل‌های بیشتری از زمین خارج شویم. هنوز زود است که درباره قهرمانی صحبت کنیم. هنوز بازی‌های زیادی تا پایان فصل باقی مانده است. باید تا پایان همین روند خوب خود را دنبال کنیم.

آرسنال در جدول رده‌بندی رقابت‌های لیگ برتر انگلیس با ۲۵ امتیاز صدرنشین است. تیم‌های چلسی و لیورپول هم با ۲۰ امتیاز و اختلاف در تفاضل گل در رده‌های دوم و سوم جای دارند.

## مورینیو: نگران چلسی هستم



ژوزه مورینیو از باخت تیمش در بازی با نیوکاسل ناراضی و نگران تیمش در لیگ برتر است.

گل‌های یوآن گوفران و لویس رمی، آبی‌های لندن را به دومین باخت‌شان در لیگ برتر این فصل سوق داد.

مورینیو در پایان بازی با نیوکاسل گفت: نمی‌دانم باید منتظر چه عکس‌العملی از طرف بازیکنانم باشم. اول باید بفهمم چرا چنین نمایشی داشتیم. عکس‌العمل را بعدها خواهم دید. نگرانم. در سال‌های قبل نیز چنین روندی داشتیم. تیم در رقابت‌های حذفی عملکرد خوبی داشت اما در لیگ برتر موفق نبود. آنها ۱۵-۲۰ امتیاز

## گواردیولا: خوش شانس بودیم



سرمری ۴۲ ساله بایرن معتقد است که تیمش در اوج نیست و از اینکه تیمش نتوانست موقعیت‌های خلق شده توسط گوتزه را تبدیل به گل کند ناراحت است.

پپ گواردیولا سرمری بایرن مونیخ در صحبت‌هایی اعلام کرده که تیمش با خوش شانس می‌توانسته از سد هوفنهایم عبور کند.

بایرن در این بازی ۲-۱ حریف را شکست داد.

اولین گل بازی توسط نیکلاس سول به ثمر رسید و بعد باواریایی‌ها با گلزنی ماندزوکیچ و توماس مولر از حریف پیش افتادند.

در پایان این بازی گواردیولا به خبرنگاران گفت: «این قطعا بهترین عملکرد ممکن از سوی ما نبودولی به پیروزی رسیدیم. هیچ چیز خوب پیش نرفت. ما باید راه و مسیر صحیح بازی کردن را بیابیم. بازی‌های ما مقابل هوفنهایم در سالهای اخیر همیشه سخت بوده و در این بازی کمی

سرمری آرسنال تیمش را شایسته پیروزی برابر لیورپول دانست.

آرسنال در هفته دهم لیگ برتر انگلیس موفق شد با نتیجه دو بر صفر لیورپول را در ورزشگاه امارات شکست دهد تا با ۲۵ امتیاز به صدرنشینی خود در جدول رده‌بندی ادامه و فاصله خود را با تیم دوم به پنج امتیاز افزایش دهد.

آرسن ونگر، سرمری آرسنال از پیروزی تیمش بسیار خوشحال است. او پس از پایان بازی در گفت‌وگو با شبکه اسکای اسپورت گفت: پیروزی خوبی بود. این چیزی است که به دنبال آن هستیم. آرسنال الان در شرایط خوبی به سر می‌برد و این را با پیروزی برابر لیورپول ثابت کردیم. با تمرکز بالا برابر حریف قدرتمند خود ظاهر شدیم و از جنب و جوش و فعالیت لازم در تمام خطوط بهره‌مند بودیم. همه به

# Mandegar

## لویه جرگه د ولسي جرگې قانوني ارزښت تر پوښتنې لاندې راولي



د ولسي جرگې یاد غړي وايي، د دې لويې جرگې په جوړېدو سره د ولسي جرگې قانوني صلاحیت تر پوښتنې لاندې راځي، حیثیت یې زیانمنېږي، ځکه د ولسي جرگې قانوني صلاحیت نورو ارگانونو ته سپارل کېږي او له دوی اخیستل کېږي. ښاغلی مجیدی زیاته کړه، که ولسي جرگه په یاده لویه جرگه کې گډون وکړي که یې ونه کړي، چې د دې جرگې مشورې او وړاندیزونه هېڅ ډول قانوني حیثیت نه لري.

نوموړي وویل، د ولسي جرگې له تالاره د باندې چې په دې مساله هر ډول پرېکړه او سلا کېږي هغه غیر قانوني ده، ځکه په قضایي مصونیت خبره او پرېکړه کول د ولسي جرگې قانوني صلاحیت دی. هغه د جوړېدونکې لويې جرگې د مشر صبغت الله مجددي څرگندونو چې ویلي ول، د لويې جرگې جوړېدو ته اړتیا نشته او هم د دې جرگې د مرستیال حامد گېلاني استعفا ته په اشارې سره وویل، دا هغه غبرگونه دي چې د لويې جرگې پر وړاندې تر اوسه ښکاره شوي دي.

گل پاچا مجیدی له ولسمشر کرزي وغوښتل چې په خپله پرېکړه له سره غور وکړي... پاتې ۱۱ مخ

په داسې حال کې چې ټاکل شوې په روانه میاشت کې په کابل کې لویه جرگه جوړه شي، د ولسي جرگې غړي وايي، چې دغه جرگه غیر قانوني ده او دوی به په کې گډون ونه کړي.

هغوی وايي، دغه جرگه د ولسي جرگې شتون او قانوني حیثیت تر پوښتنې لاندې راولي.

د ولسي جرگې غړي گل پاچا مجیدی ماندگار ورځپاڼې ته په مرکه کې وویل، چې ولسي جرگې په راتلونکې جوړېدونکې مشورتي لویه جرگه کې گډون نه کوي.

هغه وايي، ولسي جرگه د دې کار لپاره موجه دلایل لري، ځکه د دې جرگې په اجندا باندې یوځل لويې جرگې خپل نظر ورکړی او یوازې یوه جنجالي موضوع پاتې چې هغه د امریکایي سرتېرو قضایي مصونیت دی.

نوموړی زیاتوي، دغه مساله د ولسي جرگې صلاحیت او او باید دوی ته ور استول شوې وای، نه دا چې ورته لویه جرگه را غوښتل شوې وای.

د ده په خبره، چې د لويې جرگې جوړېدل یوه بې مانا خبره ده، یوازې لگښتونه پرې کېږي او د جرگو تاریخي اهمیت او ارزښت زیانمنوي.

## حملات هواپیماهای بی سرنشین و بی سر شدن طالبان پاکستانی

عبدالقهار سروری

مواجه شد و در نتیجه حمله هواپیماهای بی سرنشین، از پا درآمد و هم چنان، چندی قبل عبداللطیف محسود یک تن از معاونین دیگر بیت‌الله محسود نیز به گونه‌ی مرموز در مسیر لوگر - کابل، در داخل افغانستان از سوی نیروهای ویژه امریکایی بازداشت گردید و پس از این دو واقعه و کشته شدن حکیم‌الله محسود، طالبان پاکستانی متحمل لطمات شدیدی شدند.

گرچه اظهاراتی وجود دارد که بعد از به هلاکت رسیدن رهبر طالبان پاکستانی، این گروه، خان سید سجنایک تن از فرماندهان خود را به حیث جانشین حکیم‌الله محسود تعیین نموده؛ اما با در نظر داشت ظرفیت‌های کاری حکیم‌الله محسود و هم چنان وابسته بودن وی به یک قوت مهم عشیره‌ی در مناطق قبایل نشین قوم محسود، آقای سجنایک و یا هر کس دیگر به مشکل خواهد توانست جای حکیم‌الله



محسود را پُر کند. هم چنین انتقال رهبری طالبان پاکستانی از قوم محسود که از زمان آغاز فعالیت‌های این گروه، نقش ستون فقرات این گروه را بازی نموده، به حلقات و گروه‌های دیگر در میان طالبان پاکستانی، به یقین دگرگونی مهمی را در ظرفیت و روند کاری این گروه به میان خواهد آورد.

بی‌سر شدن طالبان پاکستانی در نتیجه حملات هواپیماهای بی‌سرنشین امریکایی و تلفات و آشفته‌گی‌های وارد شده اخیر، در قدم اول به نفع دولت پاکستان به‌ویژه پنجابی‌ها که از تضعیف قبایل سرحدی خوشحال‌اند، می‌باشد و در کوتاه‌مدت نیز تأثیرات مثبت خود را بر کاهش حملات و فعالیت‌های دهشت‌افگانه تروریستان تحت حمایت طالبان پاکستانی در افغانستان خواهد گذاشت. اما تأثیرات این سربرداري‌ها و به هلاکت رساندن سران طالبان پاکستانی، آن‌گونه که بر خود آن کشور نقش تعیین‌کننده دارد، بر افغانستان ندارد؛ چون در اکثر موارد طالبان افغان و پاکستانی با آجنداها و منابع تمویل مختلف...

ادامه صفحه ۷

روز شنبه هفته جاری، حمله هواپیماهای بی‌سرنشین امریکا، حکیم‌الله محسود رهبر طالبان پاکستانی را به هلاکت رساند و طالبان پاکستانی را بی‌سر و سرور ساخت. حکیم‌الله محسود ضمن رهبری طالبان پاکستانی - که متشکل از حلقات و دسته‌جات مختلف بزرگ و کوچک از نقاط مختلف پاکستان و با تعلقات گوناگون‌اند - فرماندهی جنگ جویان «قوم محسود» را که به مثابه ستون فقرات طالبان پاکستان محسوب می‌شوند نیز بر عهده داشت. حکیم‌الله محسود حدود چهار سال قبل و بعد از این‌که بیت‌الله محسود رهبر قبلی طالبان پاکستانی توسط هواپیماهای بی‌پیلوت امریکایی کشته شد، رهبری این گروه را به دوش گرفت. هنگامی که بیت‌الله محسود در رأس طالبان پاکستانی قرار داشت،

حکیم‌الله محسود مسوول حملات و برنامه‌های تخریبی آن گروه بود و به حیث معاون بیت‌الله محسود کار می‌کرد؛ از این رو هم‌زمان با کشته شدن بیت‌الله محسود، وی رهبری طالبان پاکستانی را بر عهده گرفت. قابل تذکر است که حدود یک سال بعد از گرفتن مسوولیت رهبری طالبان پاکستانی توسط حکیم‌الله محسود، وی از یک حمله مرگبار با برداشتن جراحاتی اندک نجات یافت، که رسانه‌ها خبر مرگ وی را پخش کردند و برای یک مدت طولانی تصور بر این بود که حکیم‌الله محسود کشته شده است. اما او با استفاده از این فرصت و با تداوم زنده‌گی خود در

خفا، به تقویت برنامه‌های خود پرداخت و با مساعد شدن اوضاع، دوباره در صحنه ظاهر گشت. بعد از حضور دوباره و آشکار حکیم‌الله محسود در صحنه مبارزه، فعالیت‌های طالبان پاکستانی گسترش بیشتر یافت و ضمن پیشبرد برنامه‌های مقطعی‌شان در داخل پاکستان، یک سلسله برنامه‌ها و حملات مخرب و دهشت‌افگانه را نیز در نقاط مختلف افغانستان راه‌اندازی کردند.

باید یادآوری کرد که برای یک مدت طولانی، رهبران عمده طالبان پاکستانی، از تعقیب جدی مصون بودند و به همین دلیل، به فعالیت‌ها و برنامه‌های دهشت‌افگانه خود، قوت و وسعت بیشتر بخشیدند. اما با تغییر نظام حاکم در پاکستان و روی کار آمدن حکومت نوازشریف، سران طالبان پاکستانی مورد غضب امریکا و بازیگران منطقه‌ی قرار گرفتند و فصل تازه‌ی از حملات کشنده برضد آن‌ها آغاز گردید.

قبل از کشته شدن حکیم‌الله محسود رهبر طالبان پاکستانی، ولی‌الرحمن یک تن از معاونین وی نیز به سرنوشت مشابهی

## سه پولیس در هنگام ادای نماز کشته شدند



منابع وزارت داخله گفته‌اند که در اثر انفجار بمبی در مسجدی در پکتیکا، سه مامور پولیس هنگام ادای نماز کشته شدند.

این وزارت در وبسایت خود نوشته که این انفجار پس از ساعت هشت دیشب به وقت محلی در مسجد روستای «سه‌گانه» ولسوالی خیرکوت روی داد. این ولسوالی در ولایت پکتیکا موقعیت دارد.

به گزارش این وبسایت، افراد وابسته به گروه طالبان این بمب را در این مسجد کار گذاشته بودند که انفجار آن یک مامور پولیس دیگر را زخمی کرد.

هنوز گروه طالبان واکنشی به این گزارش نشان نداده است.

وزارت داخله گفته که هنوز خشم مردم افغانستان

نسبت به بمبگذاری در مسجد جامع شهر پل علم، مرکز ولایت لوگر، فروکش نکرده که طالبان دست به بمبگذاری در مسجد روستای سه‌گانه ولایت پکتیا زده‌اند.

انفجار مسجد جامع شهر پل علم روز عید قربان روی داد که در اثر آن ارسلا جمال والی پیشین لوگر کشته و ۱۵ تن دیگر... ادامه صفحه ۶

## روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد



برای دانشجویان و اساتید دانشگاه

- سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
- یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

- دفتار خارجی
- سه ماهه - ۱۰۰ دالر
- شش ماهه - ۲۰۰ دالر
- نه ماهه - ۳۰۰ دالر
- یک ساله - ۴۰۰ دالر



- نارسیده به منزل یا دفتار
- سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
- یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

### برای دفاتر



- سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
- یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰